

شهادت مقلوب در باره

شاهنشاه

(۲)

امیر فیض- حقوقدان

شاهد دوم سپهبد آذربرزین

شاهد دومی که در فیلم ۴۵ دقیقه ای که شرح آن در قسمت نخست این تحریر نام برده شده سپهبد آذربرزین معاون فرماندهی نیروی هوایی شاهنشاهی است.

شهادت او بصورت نقل قولی است از شادروان منوچهر خسرو داد که خسرو داد هم ناقل گفتار ژنرال هایزراست.

اجازه فرمائید اول شهادت شاهد آورده شود که کلید این تحریر است.

آذربرزین گفته «من به خسرو داد گفتم هر صحبتی که هر روز هایزر میکند بمن بگو؛ خسرو داد از قول هایزر گفت: «آمریکا مصمم است از شاه حمایت کند گرچه منتج به برخورد با شوروی شود».

گرچه شاهد متأسفانه در موقعیت شخصیتی و اهلیتی نیست که بتوان به نقل قول او استناد کرد و شهادت او را در قالب یک شهادت حتی قابل شنیدن قرارداد ولی اهمیت نقل قول در رابطه با اسناد و شواهد دخالت آمریکا در جریان شورش ۵۷ و اتهاماتی که متوجه آمریکا شده، بسیار مهم و با اهمیت است و اگر شهادت آذربرزین دانه به نقل قول از هایزر درست باشد بسیاری از معادلات تحقیقی را بهم خواهد ریخت و این نتیجه را ببار خواهد آورد که انقلاب! سال ۵۷ علیرغم کمک و پشتیبانی جدی آمریکا از شاه تحقق یافت و در نهایت ایجاد مشروعیتی برای جمهوری اسلامی خواهد شد که تاکنون وجود فرضی هم نداشته است. از آنجا که این سرباز از اسفند ماه سال ۵۷ بر موضوع دخالت آمریکا در تدارک شورش ۵۷ اشتغال تحقیق داشته، نمیتواند سرسری و یا به اعتبار شخصیت قبول ناپذیری شاهد از اهمیت موضوع شهادت و تاثیر آن بر روند تحقیق غافل ماتم.^۱

شخصیت سپهبد آذربرزین

^۱ - سپهبد آذربرزین هم همانند آموزش ملایان مطلبی را که بنیان درستی ندارد را نه از زبان خودش بلکه از زبان افسر وفادار و مبهنپرستی مانند تیمسار خسرو داد نقل میکند تا اگر مورد اتهامی باشد به شخصی که اعدام هم شده است نسبت داده باشد. ح-ک

شخصیت آذربیزین در ادای شهادت، به بیانی که خواهد آمد در حدی نیست که بتوان به شهادت ایشان ترتیب اثر داد. زیرا:

۱- آذربیزین در امرداد ماه سال ۵۸ یعنی ۷ ماه بعد از استقرار غاصبانه جمهوری اسلامی بموجب تصویب نامه هیئت وزیران جمهوری اسلامی بشماره ۱۰۰۶ بتاریخ ۱۳/۵/۱۳۵۸ به عضویت شورای عالی دفاع و امنیت ملی جمهوری اسلامی منصوب شده است.

آذربیزین علاوه بر پست مزبور برای مدتی هم فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی بوده است و پس از آن بعنوان مشاور عالی نخست وزیری (بازرگان) تمام اطلاعات ارتش را در اختیار بازرگان گذاشته و بازرگان هراقدامی که در ارتش میکرد با نظروهدایت آذربیزین بوده است.

آذربیزین ۹ ماه در خدمت جمهوری اسلامی و در کنار بازرگان قرار داشت.

آذربیزین یک روز بعد از استعفای بازرگان باتوصیه بازرگان از ایران خارج گردید



و پس از اقامت کوتاهی در لندن به آمریکا رفت.

اسناد منتشره نشان میدهد که این نگرانی عمومیت داشته که یکی از افسران ارشد ارتش شاهنشاهی خبرها و اطلاعات و تصمیمات ارتش را در اختیار شورشیان میگذاشته.

تکلیف آذربیزین به شادروان خسرو داد به اینکه مذاکرات راهروزه به اطلاع او برساند و همچنین همکاری های آذربیزین با شورشیان و بعدا دولت منتخب خمینی، قرینه ای است که افسر ارشدی که بنفع شورشیان فعالیت جاسوسی و خبرچینی میکرده ممکن است همین سپهبد آذربیزین باشد.

در حالیکه فرمانده آذربیزین یعنی شادروان ربیعی در تماس با هایزر بوده است، چرا آذربیزین سعی میکرده که از کانال خسرو داد از جریان گفتگوها باخبر بشود. اساسا تا آنجا که اسناد نشان میدهد هایزر تنها با قره باغی و ربیعی و حبیب الهی در تماس بوده است.

در همان زمانی که خسرو داد و ربیعی اعدام انقلابی میشدند، آذربیزین سمت عضویت در شورای دفاع امنیت ملی جمهوری اسلامی را داشته است. آیا این رامیتوان یک امر عادی گرفت و یا قرینه ای که آذربیزین آلوده به خیانت به ارتش و حتی همقطاران نزدیک خود بوده است.

بنابراین آذربیزین باتوجه به مقام معاونت فرماندهی هوایی و سوگند سربازی، همکاری مسلم او با جمهوری اسلامی آنهم در حالیکه فرمانده آذربیزین یعنی ارتشبد ربیعی اعدام شد ولی آذربیزین به مقام عضویت شورای عالی دفاع میرسد، قرینه ای است بر همکاری با سابقه با شورشیان (بازرگان) و در نهایت

از نظر قانون ارتش آذربایجان متهم به خیانت به ارتش و ایجاد استعداد و موفقیت برای شورشیان است و نمیتوان به شهادت او استناد کرد.

مسیر تحقیق

عرض شد که اهمیت ادعا و یا شهادت ایجاب میکرد که علیرغم بی اعتباری شخص شاهد تحقیق درباره موضوع شهادت نیز بعمل آید.

✳ مشکل اینجا بود که سرلشگر خسرو داد کشته شده بود - هایزر هم که فوت کرده و شخص آذربایجان هم دوسالی است که دوبار سکت داشته و اکنون با ازدست دادن کامل بینائی با ابزار پزشکی تنفس میکند و نمیتوان در مورد نقل قولی که آورده از او توضیح خواست.

✳ آذربایجان در چند سال قبل رشته مقالاتی در کیهان لندن نوشته بود کیهان شماره ۱۳۷۷ به بعد به آنها رجوع کردم بلند پروازیها و آگاهی های زیادی بقلم آورده است ولی مطلبی را که نقل قول از شادروان خسرو داد آورده در آن مقالات متعدد نبود.

✳ بیاد داشتم که یکی از دوستان و ایرانیان گرامی ام که در این تحریر بر عایت اختصار نام ایزدی به ایشان داده شده درباره کتاب تازه آذربایجان و نکات انحرافی و اعتراضی وارد بر کتاب با تلفن بنده را مستفیض ساخته بود، لاجرم با همه مشکلاتی که در تماس تلفنی دارم با ایشان تماس گرفتم و موضوع را در میان گذاشتم و سوال کردم که آیا تیمسار آذربایجان نقل قول خسرو داد و یا بیان مشابهی را در کتابش دارد یا خیر. آقای ایزدی بعد از دوروز در تلفن گفت: «بادقت کتاب تیمسار را دوباره خواندم بخصوص فصل مربوط به ژنرال هایزر را چنین مطلبی و یا نقل قولی در مورد حمایت آمریکا از شاه و لو اینکه منتج به درگیری با شوروی باشد ندیدم».

✳ از آنجا که قره باغی در کتابش نوشته که هایزر بیش از هر کس با تیمسار ربیعی صحبت میکرد فکر کردم که صورت جلسه محاکمه! تیمسار ربیعی هم ممکن است کمکی باشد، فصلی از آن صورت جلسه دادگاه که میتواند مورد استفاده این تحریر باشد به اینجا آورده میشود.

اظهارات تیمسار ربیعی در دادگاه

در جلسه سوم بعد از اینکه هایزر اندکی نشست گفت؛ خوب شاه هم که رفت بعد از اطاق بیرون رفت و یک صورتی با خود آورد که حاوی شماره تلفن نمایندگان حضرت امام بود به ماداد و رفت.

رئیس دادگاه چه کسی نامه را داد

شادروان ربیعی - آن سرلشگری که رئیس مستشاری آمریکا در ایران بود. بایستی عرض کنم که رئیس مستشاری در ایران یک سرلشگر (گانت) و سه سرتیب بود که در سه نیرو فعالیت داشتند (*) آن سرلشگر بیرون رفت و بعد از اینکه با تلفن با شخصی تماس گرفت آمد درون اطاق بعد هایزر گفت، من فکر میکنم به صلاح ارتش باشد که با نمایندگان امام تماس بگیر، حالا فکر میکنم که تلفن هانی که بما دادند

بیشتر از دو یا سه شماره بود من آنوقت تازه تصمیم گرفته بودم راجع به مسائل فکر کنم، چیزی که استنباط کردم فهمیدم که هایزر دوهدف داشت یا اینکه ارتش رابسمت نمایندگان امام ببرد و ارتش همبستگی خودش را اعلام کند و یا اینکه ارتش باعث شود که بختیار با نمایندگان امام نزدیک شود؛ اما در عین حال هایزر هیچوقت نمیگفت که از بختیار پشتیبانی نکنید.....

هایزر جلسات خیلی بیشتری با قره باغی داشت که صبح ها بود و این ۷ یا ۸ جلسه ای که من با او بودم مجموعه گفتاری بود که عین واقعیت را گفتم و به عرض میرسانم صحبت از اینکه ارتش رایکبار وارد

عملی بکند، به خدای یکتا مطلقا در میان نبود اصولا باور کنید هرگز مسئله کودتا مطرح نبود (*)

برداشت از اظهارات شاهد

★ اول اینکه شادروان ربیعی با ذکر سوگند به خدا که نشان از صداقت در گفتار است بابت وقایع، حقیقتی را بازگو کرده که هیچ نشانی از نقل قول آذربریزین ندارد.

۲- اظهارات ربیعی مبنی بر اینکه درک من این بود که قصد هایزکنار آمدن ارتش با نمایندگان خمینی بود، کاشف کاملا خلاف نقل قول آذربریزین است.

★ دومین برداشت که تصور میکنم تاکنون در تحقیقات اینجانب مطرح نشده این است که در ماموریت هایزر تنها او شرکت نداشته بلکه تمامی مستشاران آمریکائی در نیروی زمینی و هوایی و دریائی که در ایران حضور خدمتی داشته اند نیز حضور و دخالت داشته اند و این مسئله ای است که برای اولین بار با آن برخورد شده است.

برداشت مزبور علاوه بر آنکه از اشاره شادروان ربیعی محفوظ میشود؛ از بخشی از گزارش هایز هم استنساخ میگردد مقصود آنجاست که پس از عزیمت هایزر از ایران و حضور در دفتر کارتر، آقای برژنسکی سوال میکند؛ چگونه تدارک کودتا امکان پذیر میباشد؛ هایزر جواب داد ظرف ۲۴ ساعت میتوان آنرا براه انداخت کافیسست به ژنرال گانت فرمان بدهید.

ژنرال گانت افسر مافوق مستشاران نظامی آمریکا در ایران بوده است که سالها در ویتنام فرماندهی داشته و مسلط بر عملیات ایذائی و نظامی است (هایزر هم در ویتنام با گانت همکاری داشته است).

این تحقیق تازه لازم میسازد مراجعه ای به وضع مستشاران نظامی آمریکائی در ایران و تعداد آنها داشته باشد.

سالیوان نوشته است

کمکهای نظامی آمریکا به ایران از اواخر دهه ۱۹۴۰ عامل مهمی در احیای ارتش ایران بوده و میسیون نظامی آمریکا در ایران هم وضع منحصر به فردی داشت. تفاوت میسیون نظامی آمریکا در ایران با هیئت نظامی در سایر کشورهای جهان این بود که پرسنل نظامی آمریکا در ایران عملا جزء نیروهای مسلح ایران

بشمار میرفتند و در اواخر شاه بغیر از ۶ نفر از افسران ارشد آمریکایی بقیه مستشاران و کارکنان آمریکایی، نیروهای مسلح ایران و حقوق بگیر دولت ایران بودند و حقوق و مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان آنها از طرف دولت ایران تامین میشد و اعلامی که روی اونیفورم آنها دوخته شده بود آنها را عضو خانواده مسلح ایران بشمار میآورد.

(تاریخچه دخالت آمریکا در ایران - سالیوان)

حاشیه- خرید سلاحهای مدرن از کشورهای خارج مستلزم قبول مستشاران، مهندسین - تعمیرکاران، متخصصین مختلف است تمام کشورهای جهان که به تجدید تسلیحات و یا خرید انبوهی وسائل نظامی پیشرفته مبادرت میکنند الزاما با مسئله کارشناسان خارجی مواجه هستند. (پایان حاشیه)

برداشت از سند مزبور

سند مزبور نشان میدهد که مستشاران نظامی ایران که بنابر نوشته ها در سال ۵۷ به حدود ۳۵ هزار تن میرسید جزء ارتش شاهنشاهی ایران بودند؛ لاجرم اگر آمریکا قصد حمایت از رژیم قانونی ایران را داشت مستشاران خارجی که بیشترشان در جنگ ویتنام هم شرکت داشته اند عاملی میبوده همانطور که هایزربه برژنسکی گفته «گانت ظرف ۲۴ ساعت کودتا را تحقق میداد».

برعکس آنها درست است یعنی از آنجا که آمریکا قاصد به اقدام علیه شاه بود نیروی مستشاران آمریکایی هم در جهت قصد دولت متبوعشان نقش بازدارندگی را عهده دار شدند.

حواشی تحریر

۱- نخستین سندی که بعنوان حاشیه این تحریر قابل استناد است گزارش آقای هایزر از ماموریت خود در ایران است.

«من ماندن فرماندهان ارتش را در داخل ایران تضمین کرده بودم و سازمان ارتش را منسجم نگاه داشته بودم و با توجه به سنت وفاداری عمیق ارتشیان به شاه ایران، آنها را وادار به حمایت از دولت غیرنظامی بختیار بنمایم

وظیفه اصلی من در این ماموریت بکار بستن تمام تلاشهایم در جهت امکان حیات بخشیدن به دولت بختیار یا هر دولت غیرنظامی دیگر که با غرب سرسازگاری داشته باشد. من اوضاع را به بالاترین مقامات کاخ سفید بطور روزانه در میان میگذاشتم و به خواسته آنان توصیه هائی به سران ارتش مینمودم

(هایزر ماموریت در تهران)

۲- بخشی از گزارش هایزر که ملاحظه شد به هیچوجه حکایت از نقل قول آذربرزین دانبه حمایت از رژیم شاهنشاهی ایران را ندارد.

۳- قره باغی در کتابش نوشته است؛ هایزر در اولین روز ملاقاتش گفت: <دیگر دولت آمریکا از اعلیحضرت پشتیبانی نمیکند و برای آرامش درکشور همانطور که ملت ایران میخواهد مسافرت اعلیحضرت ضروری است، هایزر اضافه کرد که نه تنها آمریکا که کشورهای اروپایی نیز دیگر از شاه حمایت نمیکنند.>

آیا اینها به معنای تائید نقل قول آذربیزین است به اینکه هایزر گفت: <آمریکا از شاه حمایت میکند ولو به قیمت درگیری با شوروی باشد؟>

۴- تقدیرنامه کارتر از هایزر

تقدیرنامه کارتر از هایزر که بتاريخ ۷ فوریه ۱۹۷۹ از کاخ سفید صادر شده است از مضامین این تحریر است <مایلم تشکرات شخصی خود را از خدمت شایسته ای که در جریان ماموریت خود در ایران به کشور خودتان انجام داده اید ابراز تشکر نمایم شما با اقداماتی که در ایران کردید، کمک زیادی به اهداف سیاسی آمریکا کرده اید شرایط منحصر به فردی که شما در آن در ایران کار کردید به مخلوط ویژه از کاردانی و خرد در شهامت نیاز داشت. عملکرد شما در چنین شرائطی مایه احترام و قدردانی من و همه مشاوران اصلی من است. من کار با ارزش شما را میستایم. ارادتمند جیمی کارتر >

تقدیرنامه مزبور مویذ آنست که هایزر ماموریتی که داشته و آن جلوگیری از اقدامات تند و یا کودتای ارتش علیه شورشیان بوده بخوبی انجام داده که سزاوار تحسین و قدردانی شناخته شده است و اگر ماموریت او حمایت از رژیم سلطنتی ایران بود بطور مسلم با چنین تقدیرنامه ای روبرو نمیشد.

۵- هایزر نوشته است: <چطور میتوانم به این سرعت به ارتشیان تفهیم کنم که نام شاه را فراموش کنند ولی این دستوری است که از بالا بمن داده شده است - رهبران بالای ارتش عمیقاً به شاه وفادارند >

نقل قول آذربیزین مبنی بر <حمایت آمریکا از شاه ولو به قیمت درگیری با شوروی > چه نیازی به سلب وفاداری ارتشیان از شاه دارد؟

۶- اصولاً غیر قابل باور است که فرستاده دولت آمریکا (هایزر) چنین عبارتی <..... حتی به قیمت درگیری با شوروی > را مطرح کند زیرا با رسیاسی آن برای آمریکا که مدعی عدم دخالت در امور کشورهاست بسیار سنگین است.

نتیجه گیری از تحریر

نظریه اینکه در تاریخ شفاهی و یا اسناد مبارزه هیچ اشاره ای از نقل قول منتسب به شادروان خسرو داد وجود ندارد و نظریه اینکه با توجه به مراتب این تحریر، نقل قول مورد بحث با اسناد و اظهارات هایزر مطابقت ندارد و نظریه اینکه اساساً آذربیزین، ناقل قول شادروان خسرو داد، با نادیده گرفتن سوگند سربازی در خدمت به جمهوری اسلامی قرار گرفته نقل قولش غیر قابل اعتبار و قلب حقایق شناخته میشود.